ادامه از صفحه اول

۴ نکته مغفول در بحران ارزی

البته توجه شود درباره ایران، نظر به حضورنداشتن بانک‌ها در نقل‌وانتقالات سرمایه‌ای ممنوعیت انتقال از طریق بانکی منتفی است. فرار سرمایه خارج از شبکه بانکی کشور صورت می‌گیرد که قابلیت کنترل محدود و سختی دارد.

دوم - اثر عرضه ارز توسط بانک مرکزی بر حجم نقدینگی: به‌درستی و بارها عنوان شده جهش نرخ ارز تا حدود زیادی ریشه در انباشت نامناسب نقدینگی کشور دارد و این خود ناشی از کسری بودجه دولت و گروگان‌گیری اقتصاد توسط نظام بانکی، به‌ویژه مؤسسات مالی و چند بانک ورشکسته است. نقدینگی اقتصاد کشور برابر تعریف مورد قبول بانک مرکزی در پایان سال ۹۶ به حدود ۱۵هزارو ۳۰۰ تریلیون ریال - هر تریلیون معادل هزار میلیارد -رسیده است. توجه شود اقلام نقدینگی اقتصاد ایران برابر تعاریف نظری بیش از رقم فوق است. کل نقدینگی کشور با فرض دلار ۵۰هزارریالی بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار است. حال به‌عنوان مثال با فرض فروش ۱۰ میلیارد دلار توسط بانک مرکزی از محل ذخایر ارزی، معادل ریالی آن یعنی ۵۰۰ تریلیون ریال از طریق حساب اشخاص در بانک‌ها به بانک مرکزی منتقل می‌شود که در مرحله اول موجب تقلیل نقدینگی کشور به همین میزان می‌شود. به بیان فنی شاهد کاهش پول پایه به این میزان خواهیم بود که زمینه‌ساز کاهش گسترده بعدی حجم نقدینگی است. در مرحله دوم با ازدست‌رفتن ۵۰۰ تریلیون ریال اولیه از سپرده‌های مجموعه بانک‌ها به‌تدریج براساس ضریب فزاینده بانکی ایران که حداقل حدود هشت فرض می‌شود، از طریق فرایند کاهش وام‌ها و به تبع آن سپرده‌ها، در نهایت با فروش ۱۰ میلیارد دلار از ذخایر ارزی، نقدینگی به میزان چهار هزار تریلیون ریال کاهش می‌یابد. یعنی کل نقدینگی کشور به میزان ۲۷ درصد کاهش خواهد یافت که پیام‌آور یک سیاست پولی سخت انقباضی است. البته توجه خواهد شد که در حالت فروش ارز و سپس خرج آن توسط دولت فاقد اثر انقباضی پولی است. با خرج ریال‌های به‌دست‌آمده توسط دولت، نقدینگی به سطح اولیه بازگشت می‌کند. در مرحله اول، هنگام فروش ارز در بازار، با توجه به فشار کمبود نقدینگی در نظام بانکی، باید تسهیلات کوتاه‌مدت و گذرا توسط بانک مرکزی برای بانک‌ها فراهم شود. این تسهیلات خنثی‌کننده آثار کاهش نقدینگی است، اما در صورت تداوم و تمدید این تسهیلات، کل آثار انقباضی مراحل اول و دوم کاهش نقدینگی خنثی می‌شود. به بیان فنی کاهش پول پایه از نوع ارز با افزایش پول پایه از نوع بدهی بانک‌ها خنثی می‌شود و نقدینگی کاهش نمی‌یابد. در بهمن و اسفند ۹۶ هنگام شروع بحران ارزی، نگارنده در یادداشت‌هایی چگونگی اثر انتشار گواهی سپرده ارزبنیان، پیش‌فروش سکه و گواهی سپرده ۲۰درصدی را بر پایه پولی و حجم نقدینگی بررسی کرده و مورد سؤال قرار داده بود. اعلام روش عملیاتی اتخاذشده در آن زمان می‌تواند در توضیح میزان اثر انقباضی عرضه ارز در بهار و تابستان ۹۷ راهگشا باشد. متأسفانه عملا به نظر می‌رسد که به دلایل خاصی احتمالا بانک مرکزی ناچار شده در مقابل موج انقباضی بسته سه‌گانه، سیاست انبساط پولی گسترده‌ای را عملی کند که حاصل آن ادامه رشد افزایش نقدینگی است که به جهت موج تورمی حاکم می‌تواند در سال ۹۷ به‌مراتب بیش از رشد بالای ۲۰ درصد سال‌های گذشته باشد. چراکه سطح قیمت بالاتر حجم نقدینگی اسمی بیشتری طلب می‌کند. ادامه چنین افزایشی در سطح نقدینگی، حتی پس از تعدیلات قیمتی ناشی از تکانه ارزی جاری، موجب ادامه حیات تورم و بی‌ثباتی‌های اقتصادی به همراه رانت و فساد ناشی از آن در آتیه خواهد بود. بانک مرکزی تورم تیر ماه ۹۷ را ۱۰.۲ درصد اعلام کرده است. پایین‌بودن آن در مقایسه با جهش‌های قیمتی سال ۹۷ به این علت است که این رقم برابر روش‌های معمول محاسباتی میانگین رشد قیمتی ۲۴ ماه گذشته است. یعنی علاوه بر ماه‌های سال ۹۷، ماه‌های سال ۹۶ که در آن رشد قیمتی پایین بوده، در میانگین‌گیری منظور شده است. در تیر ماه ۹۷، فقط در یک ماه رشد قیمت ۴.۳ درصد بوده است. در دنیای معاش مردم، ادامه چنین رشدی در ماه‌های آتی به صورت تقریبی فشار قیمتی بیش از ۵۰ درصد در سال ۹۷ را به اقتصاد تحمیل خواهد کرد. به این معنی که در صورت ثبات درآمدهای جاری مردم، قدرت خرید آنها در سال ۹۷، ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت. البته به سبب روش میانگین‌گیری ۲۴ماهه، نرخ تورم سالانه برای سال ۹۷، احتمالا رقمی به‌مراتب کمتر از این را نشان خواهد داد و اعلام خواهد شد. البته در بازار ارز نیز رشد نقدینگی به همراه افزایش سرعت گردش نقدینگی که ناشی از انتظارات افزایشی نرخ ارز است می‌تواند موجب ادامه افزایش نرخ ارز شود.

سوم- توان بالقوه بورس برای مقابله با بحران ارزی: شاخص کل بورس در بازار اول در پایان سال ۹۶ به حدود ۹۶هزارو ۳۰۰ واحد رسید که رشد بسیار مناسب ۲۵ درصد را در مقایسه با ابتدای سال ۹۶ نشان می‌دهد. در این سال، بازده بورس بیش از بازده سایر بازارهای رقیب، مانند مستغلات، سپرده در بانک، سکه طلا و ارز بود. جهش‌های نرخ ارز از اواخر سال ۹۶ موجب شد که با وجود بی‌ثباتی‌های سیاسی کشور و اقتصاد، این شاخص در ۱۳ مرداد ۹۷ به حدود ۱۲۴هزار برسد. رشد شاخص کل بورس، مترادف بازده حدود ۲۸ درصد برای دوره ۱۰۶روزه است. این رقم معادل بازده سالانه بیش از ۹۰ درصدی است.

ادامه در صفحه ۱۰

گزارش میدانی «شرق» از بازار نیمه‌تعطیل فردوسی در روزهای ابتدایی شروع کار رسمی صرافی‌ها

۱۱هزار تومان؛ ارز مسافرتی پس‌کوچه‌ای

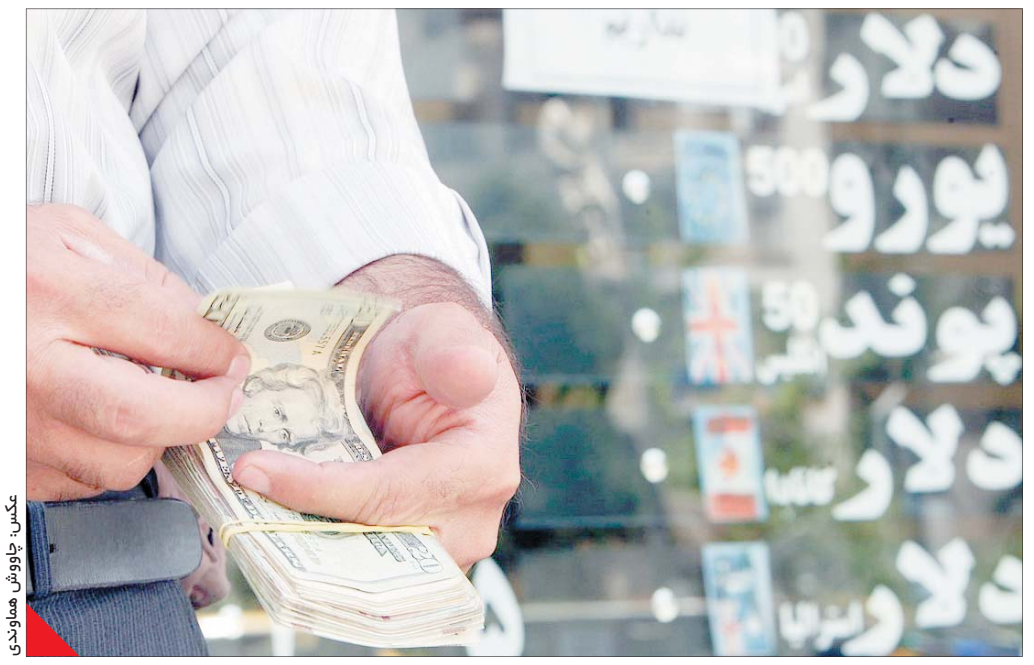

عکس: جاووش همایونی

شرق: بازار صرافی‌ها بعد از ممنوعیت حدود پنج‌ماهه قرار بود از ابتدای این هفته به‌طور رسمی فعالیت خود را آغاز کند. خریدوفروش ارز در صرافی‌ها دیگر «قاچاق» نیست اما ارزی برای عرضه وجود ندارد و صرافی‌ها به‌جای فروش ارز، خرید ارز را انتخاب کرده‌اند. هرچند قرار بود ارز مسافرتی و جزئی در بازار صرافی‌ها با نرخی نزدیک به نرخ بازار ثانویه تأمین شود اما مشاهدات میدانی «شرق» نشان می‌دهد نه‌تنها نرخ بازار آزاد تناسبی با نرخ ثانویه ندارد و دلار تا مرز ۱۱هزار تومان قیمت می‌خورد بلکه از تأمین ارز موردنیاز هم ناتوان است. بسیاری از صرافی‌های خیابان فردوسی یا تعطیل هستند یا ارز نمی‌فروشند. آن تعداد انگشت‌شمار صرافی‌ها هم که کرکره‌های خود را بالا کشیده‌اند، فقط کار خرید انجام می‌دهند و حاضر نیستند ارزی بفروشند. فقط دو صرافی در این راسته عرضه ارز مسافرتی را انجام می‌دهند و مسافران پشت در آنها صف طولانی بسته‌اند. دلار تمام شده و فقط یورو می‌فروشند؛ آن‌هم در حجمی محدودتر از سهمیه پنج‌هزار یورویی تعیین‌شده بانک مرکزی برای مسافران.

می‌خریم و نمی‌فروشیم

به گزارش «شرق»، ماجرای ممنوعیت کار صرافی‌ها اگرچه با اجرای بسته ارزی جدید دولت به پایان رسید اما همچنان این بازار در کماست. فروشندگان خیابانی مانند قبل در کوچه پس‌کوچه‌های خیابان فردوسی ارز ردوبدل می‌کنند و صرافی‌ها می‌گویند ارزی برای عرضه نداریم و فقط ارز می‌خریم. اکثر صرافی‌ها یا تعطیل هستند یا یک پرینت «خریدوفروش ارز نداریم» روی شیشه مغازه‌هایشان نصب کرده‌اند. در میان صرافی‌ها فقط دو صرافی هست که ارز مسافرتی می‌فروشند و مسافران زیادی پشت در آنها صف کشیده‌اند. یکی از آنها می‌گوید شش ساعت است اینجا ایستاده‌ام و هنوز نوبتم نشده است، چند ساعتی است که دلار تمام شده و فقط یورو می‌فروشند؛ به زور بتوان هزار یورو گرفت. یکی دیگر از مسافران با چمدان توی صف ایستاده و می‌گوید اگر امروز نتوانم ارز بگیرم، پروازم کنسل می‌شود. تعداد زیادی هم برای فروش ارز آمده‌اند و آنها بدون اینکه لازم باشد، توی صف منتظر بمانند، یک‌راست به داخل صرافی هدایت می‌شوند. یکی از دستفروشان ارزی هم می‌گوید، صراف‌ها یا ارز کافی ندارند که بفروشند یا می‌خواهند ارز بازار را جذب کنند و تا نرخ‌ها به یک ثباتی نرسیده، ارز را احتکار کنند. تمام حرف‌های جسته‌وگریخته و با احساس ترسی که از سوی صراف‌ها و دستفروشان گفته می‌شود، اگر شایعه‌ها را کنار بگذاریم، یک واقعیت مشترک را بیان می‌کند؛ بازار صرافی‌ها پاسخ‌گوی نیاز ارزی نیست و همین کمبود اجازه نزدیک‌شدن نرخ بازار آزاد به ثانویه را نمی‌دهد. درحالی‌که نرخ ارز بازار ثانویه دیروز در کانال هشت‌هزارتومان قیمت‌گذاری شد اما در بازار آزاد به قیمت ۱۰هزار و ۳۰۰ تومان خریداری و به قیمت ۱۰هزار و ۵۰۰ تومان فروخته می‌شد. عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی، پیش‌تر گفته بود: نرخ بازار آزاد نهایتا پنج درصد بیشتر از نرخ بازار ثانویه خواهد بود اما شواهد نشان می‌دهد در روزهای ابتدایی اجرای این بسته هر روز بر فاصله میان نرخ آزاد و ثانویه افزوده می‌شود، ضمن اینکه نرخ هر دو بازار روزانه در حال افزایش است. فعالان بازار آزاد پیش‌بینی مثبتی درباره ثبات بازار ارز ندارند و معتقدند اگر بانک مرکزی اقدام به تزریق ارز در بازار نکند یا به روش‌های دیگری میزان عرضه متناسب با میزان تقاضا نشود، جهش ارزی مهار نمی‌شود و نرخ دلار تا ۱۴هزارتومان هم پیش خواهد رفت. این پیش‌بینی تا قبل از وضع تحریم‌های اقتصادی است و اگر این تحریم‌ها اعمال شود، باید منتظر نرخ‌های بالاتر از این بود.

سیگنال‌های نرخ ثانویه برای آزاد

سعید بیات، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «شرق»، درباره وضعیت بازار صرافی‌ها در واکنش به بسته ارزی دولت توضیح داد: سیاست بانک مرکزی قطعا برای ایجاد شفافیت مهم است اما تا زمانی که مکانیسمی برای عرضه ارز تنظیم نشود، نمی‌توان به شفافیت و نرخ‌های واقعی رسید.

بیات عملکرد بازار آزاد و نرخ آن را کاملا وابسته به بازار ثانویه می‌داند و معتقد است تا زمانی که دولت برای عرضه‌کنندگان بزرگ ارز مانند پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها نظام نظارتی دقیقی ترتیب ندهد تا آنها مجبور به عرضه ارز خود در سامانه نیما شوند، میزان عرضه ارز با مشکل مواجه خواهد بود و کمبود سمت عرضه منجر به روند صعودی نرخ ارز خواهد شد. او ادامه داد: اگر در سامانه نیما ارز به اندازه موردنیاز تقاضا وجود داشته باشد، خود به خود این سیگنال به بازار آزاد و صرافی‌ها هم فرستاده می‌شود که نرخ‌های خود را متناسب با نرخ بازار ثانویه تعیین کنند و معاملات بیشتری با این نرخ شکل خواهد گرفت. بنابراین فقط در صورت عرضه مرتب و دقیق ارز پتروشیمی‌ها در بازار ثانویه، نرخ بازار دوم می‌شکند و بازار آزاد هم از آن تبعیت خواهد کرد.

بانک مرکزی ارز تزریق کند

اما حسین توکلیان، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، ریشه تداوم جهش ارزی را بیشتر در سیاست‌های بانک مرکزی می‌داند تا مکانیسم بازار. او توضیح داد: بانک مرکزی اعلام کرده که نرخ بازار آزاد باید مبتنی بر نرخ بازار ثانویه باشد اما در ضمن این را هم اعلام کرده که ما ارزی به بازار تزریق نمی‌کنیم. بنابراین تا زمانی که مداخله‌ای از سمت بانک مرکزی در بازار صورت نگیرد، نرخ‌ها همین مسیر کنونی را طی می‌کنند.

او ادامه داد: سیاست بانک مرکزی در راستای شفافیت و ثبات بازار ارز زمانی می‌تواند به منصه ظهور برسد که با عرضه ارز بتواند بازار را تعمیق کند و نرخ‌ها از حالت التهاب و روانی و افسارگسیختگی نجات پیدا کنند. سیاست‌گذار نمی‌تواند فقط برنامه بدهد و در راستای آن اقدام عملیاتی انجام ندهد. بسته ارزی دولت اگرچه از محتوای قابل دفاعی برخوردار است اما در عرصه عملیاتی با ابهام همراه است. بانک مرکزی فقط با اعلام اینکه ارز خود را به سامانه نیما بیاورید، نمی‌تواند مشکل عرضه‌نشدن ارز پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها را حل کند؛ باید مکانیسمی ایجاد کند که صادرکنندگان ارزی چاره‌ای جز عرضه ارز خود نداشته باشند. زمانی هم که اختلاف نرخ ارز آزاد و ثانویه زیاد باشد، نمی‌توان انتظار داشت صادرکننده عرضه ارز خود را با نرخ پایین بازار ثانویه انجام دهد.

توکلیان معتقد است بانک مرکزی یک واقعیت را انکار و در مواجهه با آن صورت‌مسئله را پاک کرده است. او توضیح داد: ما باید این واقعیت را بپذیریم که ارز امروز به تنها مأمن سرمایه‌گذاری و به‌عنوان دارایی خارجی تبدیل شده و این تقاضا وجود دارد. تا زمانی هم که این تقاضا وجود دارد و تأمین نمی‌شود، این التهابات ارزی ادامه خواهد داشت.

با انتصاب بندپی به‌عنوان سرپرست اتفاق افتاد

پزشکی‌سازی در وزارت کار

شرق: سرانجام پس از دو روز گمانه‌زنی درباره جانشین ربیعی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و درحالی‌که از افرادی مانند سیدتقی نوربخش (مدیرعامل کنونی سازمان تأمین اجتماعی) و احمد میدری (معاونت رفاه وزارت کار) و انوشیروان محسنی‌بندپی (رئیس سازمان بهزیستی) برای رسیدن به این سمت نام برده می‌شد، در نهایت این بندپی بود که از طرف رئیس‌جمهور روحانی، به‌عنوان سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انتخاب شد و احتمالا در آینده نیز برای تصدی سمت وزارت به مجلس معرفی خواهد شد.

انوشیروان محسنی‌بندپی کیست؟

انوشیروان محسنی‌بندپی، متولد ۱۳۲۵ در نوشهر، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دکترای مهندسی بهداشت محیط از دانشگاه نیوکاسل انگلستان است. او که سابقه نمایندگی نوشهر و چالوس در ادوار ششم، هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی را در کارنامه دارد، در زمان نمایندگی خود یکی از فعال‌ترین اعضای جامعه پزشکی در مجلس شورای اسلامی بود. او که عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان و رئیس کمیته رفاه و تأمین اجتماعی کمیسیون بهداشت و درمان و ناظر مجلس در ساخت‌وساز بیمارستان‌های کشور در مجلس ششم بود، مسئولیت‌هایی مانند نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان در دوره‌های هفتم و هشتم مجلس، نماینده ناظر مجلس در ستاد کشوری مبارزه با دخانیات، نماینده کمیسیون بهداشت در تدوین برنامه چهارم توسعه، نماینده کمیسیون بهداشت در کمیسیون تلفیق بودجه، رئیس فراکسیون سلامت در مجلس هشتم، رئیس مرکز امور هیئت علمی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، عضو هیئت ممیزه مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، عضو هیئت امنای دانشگاه علوم پزشکی مازندران و در سال‌های دورتر ریاست دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران را در کارنامه دارد. بندپی در سال‌های اخیر نیز حضور در سمت‌هایی مانند قائم‌مقامی معاونت آموزشی وزارت بهداشت در دولت احمدی‌نژاد و ریاست سازمان بهزیستی و معاونت وزیر بهداشت و ریاست بیمه سلامت در دولت روحانی را تجربه کرده است.

نگاهی به سوابق محسنی‌بندپی به خوبی نشان می‌دهد که او تا چه اندازه عضو مؤثری در جامعه پزشکی کشور بوده و هست و انتخاب او به‌عنوان سرپرست وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی چه معنایی دارد.

جنجال استیضاح

انتخاب بندپی به‌عنوان سرپرست وزارت کار از آن جهت جالب است که در جریان استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، علی رستمیان، نماینده سلسله و دلفان در مجلس شورای اسلامی، ضمن موافقت با برکناری ربیعی، مدعی شد فرستادگان محسنی‌بندپی، معاون ربیعی، تلاش کرده‌اند برای تغییر نظر او رشوه ۵۰۰ میلیون‌تومانی پرداخت کنند. رستمیان دراین‌باره گفت: «توسط یکی از فرستادگان جناب آقای بندپی به بنده گفته شد ۵۰۰ میلیون تومان به شما می‌دهیم به نام یک خیریه که هیچ حرفی درخصوص مشکلات بهزیستی مطرح نشود؛ یعنی ۲۰ میلیون تومان به آن خیریه داده شود و ۴۸۰ میلیون تومان را بنده برای توزیع بین فقرا و ایتام بردارم». رستمیان در ادامه سخنانش اتهامات دیگری را علیه وزارت کار مطرح کرد و در انتهای سخنانش بار دیگر به مسئله بندپی بازگشت و مدعی شد بندپی در دوران مدیریت بهزیستی دوبار در استان لرستان میهمانی‌های شاهانه برپا کرده است. رستمیان دراین‌باره گفت: «رئیس سازمان بهزیستی به شهادت مجمع نمایندگان استان لرستان در دو نوبت مربوط به سفر کاری و بار دیگر شرکت در همایش مدیران‌کل بهزیستی در استان لرستان حضور پیدا می‌کند. رئیس سازمان بهزیستی دختران مظلوم بهزیستی را با لباس فاخر در یک سیاه‌چادر در یک منطقه خوش‌آب‌وهوا در نظر گرفته و از این افراد شاهانه پذیرایی می‌کند. این پول‌ها از کجا تأمین می‌شود؟ ۹۰۰ میلیون تومان صرف هزینه همایش و میهمانی شاهانه آقای بندپی شده است! آیا کارگری که به‌خاطر او اشک می‌ریزید و آیا معلولی که عصا و ویلچر ندارد، از این سفره شاهانه استفاده می‌کرد و شما نسبت به آن واکنش نشان دادید؟» نماینده مردم سلسله و دلفان در مجلس شورای اسلامی در ادامه افزود: «جناب آقای وزیر؛ سفرهای اروپایی آقای بندپی را رصد کرده‌اید؟ بندپی در سفرهای خارجی با یک تیر دو نشان زده و در راستای انجام مأموریت ملکه‌های زرد طلایی زنبورعسل را برای درمان ملکه‌های مریض دلفان به کشور آوردند. در تحقیقات به‌عمل‌آمده درباره انواع هدیه بررسی کنید و در صورت تأییدنکردن، بنده حاضرم به‌عنوان نشر اکاذیب محاکمه شوم». بندپی نیز ادعاهای این نماینده مجلس را بی‌پاسخ نگذاشت و در گفت‌وگو با ایلنا به آنها پاسخ داد. بندپی در این گفت‌وگو گفت: «علت این اتهامات این است که فردی که آقای رستمیان به‌عنوان مدیر برای بهزیستی استان معرفی کرده بود، فاقد شاخص‌های لازم بوده و در کمیته انتصابات رأی لازم را کسب نکرد». بندپی در ادامه این گفت‌وگو این را هم گفت که بدون هیچ‌گونه تشریفاتی در استان لرستان و حتی حوزه انتخاباتی آقای رستمیان حضور یافته و مشکلات را بررسی و برنامه‌ها را پیگیری کرده است. بندپی در پاسخ به اتهام رستمیان درباره سفرهای خارجی نیز گفت: «این‌جانب در چارچوب ارائه خدمات جمهوری اسلامی در قالب حمایت از معلولان که مصوبه مجلس هم هست، در صحن سازمان ملل حضور یافتم و گزارش این دستاوردهای بزرگ را ارائه دادم. آیا این سفر تشریفاتی است؟».

پیروزی بزرگ برای وزارت بهداشت

اگرچه بسیاری از اتهاماتی که سیاست‌مداران و رسانه‌های اصولگرا درباره بندپی مطرح کرده و می‌کنند، ریشه در اختلاف‌نظرهای سیاسی و حضور پررنگ بندپی در فعالیت‌های سیاسی جریان اصلاح‌طلب دارد و کارنامه بندپی نیز نشان‌دهنده تجربه بسیار بالای او در حوزه بهداشت و درمان است؛ اما همین سابقه بهداشت و درمانی بندپی است که به مهم‌ترین پاشنه‌آشیل او برای تصدی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تبدیل می‌شود. در سال‌های اخیر بارها و بارها کارشناسان حوزه کار و رفاه اجتماعی درباره تعارض منافع شدید مابین وزارت بهداشت و وزارت کار و به‌ویژه تأمین اجتماعی هشدار داده‌اند و حضور افرادی از جامعه پزشکی در مقام ریاست سازمان تأمین اجتماعی را از مهم‌ترین عوامل آسیب‌پذیری این سازمان در مناقشات دائمی‌اش با وزارت بهداشت دانسته‌اند. قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت که بارها در سخنان خود با کنایه و در لفافه این وزارتخانه را تنها متولی درمان در کشور معرفی کرده، در عمل نیز تلاش‌هایی را برای دراختیارگرفتن مراکز درمانی سازمان تأمین اجتماعی انجام داده است. منابع درمانی این سازمان که شامل یک‌سوم حق بیمه‌های پرداختی کارگران تحت پوشش تأمین اجتماعی می‌شود، نیز یکی دیگر از موارد اختلاف شدید بین وزارت کار و وزارت بهداشت بوده و هست. در چنین شرایطی انتخاب وزیری از جامعه پزشکی برای وزارت کار را می‌توان یک پیروزی بزرگ دیگر از طرف وزارت بهداشت برای تصاحب این منابع و مراکز قلمداد کرد.

ادامه برنامه‌های فعلی وزارت کار

بندپی، سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در نخستین جلسه کاری‌اش به‌عنوان سرپرست این وزارتخانه از ادامه برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در این وزارتخانه خبر داد و گفت این برنامه‌ها را با قوت دنبال خواهد کرد. بندپی جلسه صبح دیروز خود با روحانی را بسیار خوب توصیف کرد و گفت: هم‌اکنون در شرایط ویژه‌ای قرار داریم؛ بنابراین باید بتوانیم با تدبیر و امید و نگاه حمایت‌گرانه این دوران را پشت سر بگذاریم. بی‌کاری فقر را تشدید می‌کند و عوارض و آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد؛ بنابراین باید برنامه‌های اشتغال را با نگاه جدید و با سرعت ادامه بدهیم.

یادداشت

میراث شوم رانت‌خواری رسانه‌ای

غلامحسین دوانی
پژوهشگر اقتصادی

● هفدهم مرداد هر سال به عنوان روز خبرنگار شناخته شده است و در این روز از خبرنگارانی که به مسئولیت‌های حرفه‌ای و اجتماعی پایبند بوده‌اند، قدردانی می‌شود. با تبریک روز خبرنگار به همه اهالی خبر از جمله خبرنگاران و روزنامه‌ها و رسانه‌هایی که رسالت حرفه‌ای خود را انجام داده و می‌دهند، باید به مقابله با روزنامه‌ها و رسانه‌هایی بپردازیم که نقش مخربشان در سیاهکاری‌های سیاسی-اقتصادی هویدا شده است. کجاست شهید حسن باقری افشره‌ای که خبرنگاری را در سنگرهای جبهه‌های جنگ برپا کرد تا مشاهده کند نوکیسگان خبرنگاری به سکویی برای پرتاب خود یا دیگران به منابع قدرت و پول تبدیل شده‌اند و عملا علیه مردم قلم‌فرسایی می‌کنند. افشای ماجرای مؤسسه اعتباری ثامن‌الحجج و نقش مخرب برخی رسانه‌ها و سلبریتی‌ها در ایجاد شهرت کاذب برای این مؤسسه بر کسی پوشیده نیست. نگاهی به صفحات برخی روزی‌نامه‌ها نشان می‌دهد که همه‌روزه برخی افراد به عناوین مختلف در این روزی‌نامه‌ها به عنوان کارآفرین، مرد برتر صادرات، مدیر مشکل‌گشا و... معرفی می‌شوند و جالب آنکه در یک صفحه چند بانک و مؤسسه هم‌زمان به‌عنوان برتر و برترین معرفی می‌شوند؛ درحالی‌که صنعت بانکداری کشور ورشکسته شده و قاعدتا مدیران این صنعت باید پاسخ‌گوی این ورشکستگی هم باشند!! اما امان از درآمد تبلیغات که چه‌ها می‌کند. روزنامه‌ای که خود را در جایگاه Financial times می‌بیند به رنگین‌نامه‌های تبلیغاتی تبدیل شده و به‌نظر می‌رسد گردانندگان و پشت‌پرده این روزنامه‌ها حتی یکبار روزنامه Financial times را تورق نکرده‌اند تا مشاهده کنند در این روزنامه حتی برجسته‌ترین مدیران بنگاه‌های اقتصادی به عنوان برتر و برترین معرفی نمی‌شوند. اگر مراجع قضائی بتوانند اعترافات بنگاه‌های ورشکسته‌ای که سالیان دراز به عنوان مؤسسه برتر و مدیر برتر معرفی شده بودند به‌صورت علنی انتشار دهند آن وقت می‌توان فهمید که پشت پرده رسانه‌ای این مؤسسات کدام نشریات بوده‌اند! خبرنگاری که روزگاری به عنوان حرفه‌ای مستقل و صدای مردم تلقی می‌شد، به ابزاری برای رسیدن به منافع اقتصادی و زدوبند سیاسی-اقتصادی تبدیل شده است و برخی کسانی که نام خود را به انگلیسی نمی‌توانند بنویسند مقاله ترجمه می‌کنند! فراموش نکرده‌ایم که از سال‌های ۱۳۷۵ به بعد پدیده ناپاکی در روزنامه‌های اقتصادی به‌صورت «باج‌افراز رسانه‌ای» شکل گرفت که رسما از شرکت‌ها باج‌خواهی کرده و سرانجام برخی از آنها نیز به تباهی کشیده شد. تاریخ سیاسی-اقتصادی کشور شاهد حضور برجستگانی همچون تورج فرامرزمند، علی‌اکبر دهخدا (دخو)، بهمن احمدی امویی و منتقدانی مانند محمدعلی افراشته، عمران صالحی، علی دهباشی، ایرج گرگین، مرتضی مردیها، اردشیر محصص، محمود عنایت، مصطفی ایزدی، هوشنگ وزیری، کیومرث صابری (گل‌آقا) و ده‌ها نفر دیگر بوده است که جای آنان را کسانی گرفته‌اند که عملا نقش عصا برای چلاق‌های سیاسی-اقتصادی را بازی می‌کنند. شیوه کار این عصابه‌دستان در همه حوزه‌های خبرنگاری آن است که با برپایی جنجال رسانه‌ای علیه این و آن شخص و نهاد، سرانجام به ترک مخاصمه با دریافت انعام و... خاتمه دهند. خبرنگاران به عنوان سفیران آگاهی همچنان که نیاز به حمایت مردمی دارند، در قبال مردم و افکار عامه مسئولیت نیز دارند. در واقع خبرنگاری یکی از دشوارترین مسئولیت‌هاست. خصوصیات فردی و شخصیتی خبرنگاران شامل کنجکاوی، پرسشگری، تیزبینی و نکته‌سنجی، سریع‌الانتقال‌بودن، ضریب هوشی بالاتر از سطح جامعه (شامل هوش ژنتیک یا IQ و هوش هیجانی یا EQ)، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری، فروتنی و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای بوده که تأثیر آن در اخبار مشاهده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی «خبر» آن است که معنایی پردامنه داشته باشد و خبرنگار نیز حامل مفاهیم و مسئولیت‌های سنگینی در قبال جامعه، تاریخ و وجدان خویش باشد. مهم‌ترین ویژگی خبرنگار آن است که بتواند در چارچوب قوانین یا محدودیت‌های احتمالی حرف خویش و صدای مردمش را بیان کند؛ به همین علت نتیجه کار یک خبرنگار می‌تواند تأثیر مستقیمی بر اذهان عامه و سرنوشت یک جامعه داشته باشد. مردم براساس اطلاعاتی که خبرنگار تهیه می‌کند، از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورشان آگاه می‌شوند و تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند؛ به همین علت چنانچه خبرنگاری کارش را با دقت و مسئولیت‌پذیری انجام ندهد، می‌تواند افکار عامه را به بیراهه بکشاند. بنابراین جامعه همیشه خبرنگار را چشم بیدار خود می‌داند؛ زیرا خبرنگاران سنجش‌گر بسیاری از وقایع و رویدادها هستند که براساس آن، جامعه علاوه‌بر ارزیابی فعالیت‌های دولتمردان و مسئولان، از ضعف‌ها و قوت‌های خود و کشور آگاهی پیدا می‌کند. برخی از جامعه‌شناسان سیاسی بر این باورند که میزان آزادی‌های فردی و اجتماعی را می‌توان با ضرایب آزادی خبرنگاران و خبررسانی به‌موقع، دقیق و روشن سنجید.

ادامه در صفحه ۵